

مبنای قاعده تفسیر علیه انشاءکننده در قرارداد بیمه و سایر قراردادها در نظام حقوقی ایران

هادی ملک^۱، حسین انگورج تقوی^۲

۱- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، رشته حقوق مالی اقتصادی، دانشگاه آزاد واحد الکترونیکی، ایران، تهران (نویسنده مسئول)
۲- استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، ایران، چالوس

چکیده

زندگی بشر همواره در معرض خطرات و زیان‌های غیر قابل پیش بینی قرار دارد. یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روشی که انسان برای مقابله با خطرات اجتناب ناپذیر برگزیده است عقد بیمه است. در عقد بیمه با انعقاد قرارداد با شرکت‌های بیمه، جبران نتایج و خطرات ناشی از حوادث موضوع بیمه به شرکت بیمه منتقل می‌شود. عقد بیمه همانند سایر عقود ممکن است در مرحله اجرا دارای ابهام و اجمال باشد که نیاز به تفسیر در چنین مواردی ناگزیر می‌نماید. از آن جا که ماهیت و ویژگی قراردادهای بیمه با سایر قراردادها متفاوت است. که این تفاوت‌ها به اصولی اساسی حاکم بر عقد بیمه باز می‌گردد و از جمله این اصول، ویژگی الحاقی عقد بیمه، اصل حسن نیت و جبران خسارت، ... اشاره کرد که این تمایزات باید در روند تفسیر مورد توجه قرار گیرند. از طرف دیگر، پیچیدگی این نوع قراردادها و موقعیت برتر اطلاعاتی و اقتصادی شرکت‌های بیمه، بیمه‌گذاران را در وضعیت نابرابری قرارداده است. مجموعه این عوامل ضرورت استفاده از بعضی ابزارهای حمایتی به منظور اصلاح این ساختار ناعادلانه و حمایت از بیمه‌گذاران و ذینفعان بیمه را اجتناب ناپذیر می‌نماید. یکی از این قواعد و ابزارهای حمایتی استفاده از قاعده‌ی «تفسیر علیه انشاءکننده قرارداد» در عقد بیمه است. استفاده از این قاعده موجب تعادل قراردادی و عدم برخورد زیان دیده و بیمه‌گذار با افسار و تنگ دستی عامل زیان در هنگام وقوع خسارت می‌گردد. دادگاه نیز در برخورد با مسئول حادثه‌ای که دارای پوشش بیمه‌ای است با وسعت نظر خسارات را ارزیابی کرده و جبران خسارت تسهیل می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: انشاءکننده قرارداد، قرارداد بیمه، تفسیر علیه انشاءکننده

۱- مقدمه

اشخاص برای رسیدن به اهداف خود روزانه قراردادهای متعددی را منعقد می‌کنند. گاهی خواسته مشترک خود را به صورت شفاهی و گاهی نیز به صورت کتبی بیان می‌کنند. هدف طرفین از انعقاد قرارداد رسیدن به نتایج و آثار ناشی از آن است. بدیهی است که حصول آثار و نتایج قرارداد منعقد منوط به اجرای آن است و اجرای قرارداد نیز منوط به این است که مفاد قرارداد مشخص و فاقد ابهام باشد. اما در مواردی به دلایلی قرارداد دارای ابهام یا اجمال بوده و زمینه را برای تفسیر فراهم می‌کند. عواملی که موجب بروز اختلافات و نارسایی‌ها در قرارداد می‌شود، این است که گاهی تنظیم‌کنندگان قرارداد که اغلب از قوانین آگاهی کافی ندارند) الفاظ و عبارات نامناسبی را به کار می‌برند و گاهی به کلیات اکتفا می‌کنند و گاهی نیز به نفع خود قسمتی از توافق در قرارداد تصریح نمی‌کنند(اسلامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۲).

یکی از قراردادهای که به دلیل کارکرد اقتصادیشان دارای اهمیت است، عقد بیمه است. حیات انسان نیز غالباً در معرض حوادث و رویدادهای غیر منتظره‌ای قرار دارد و غالب فعالیت‌های انسان نیز مخاطر آمیز هستند با پیشرفت صنعت و تکنولوژی میزان درگیری انسان با حوادث نیز افزایش یافته است و انسان به طور فطری از خطرات و خسارات حاصل از فعالیت‌های خودگریزان است به همین دلیل در تلاش است که فضای زندگی خویش را از گزند تاثیر خطرات محفوظ نگه دارد. بشر در رویایی و مقابل با خطرات و آثار آن از روش‌های متفاوتی استفاده مینماید و گاهی از رویایی با آن اجتناب می‌کند و گاهی از بروز آن پیشگیری یا سعی در کاهش آن دارد. گاهی نیز منابع مالی کافی برای تامین خطرات و خسارت غیرقابل اجتناب فراهم می‌سازد. گاه نیز با ایجاد صندوق مالی فرد ممکن است وقوع خطر را بپذیرد یا ممکن است نتایج ناشی از این حوادث به طرف دیگر منتقل سازد. یکی از رایج ترین و پرکاربردترین روش انتقال خطر، عقد بیمه است در قرارداد بیمه اشخاص با انعقاد قرارداد، جبران نتایج و خطرات ناشی از حوادث موضوع بیمه را به شرکت بیمه منتقل می‌کند (قاسمی، ۱۳۹۸: ۸۱).

تعریفی که با توجه به ماده یک قانون بیمه، می‌توان ارائه نمود چنین است: «بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند که در مقابل پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگری، در صورت وقوع یا بروز حادثه، ضرر وارده بر او را جبران نماید یا بپردازند. « متعهد را بیمه گر و طرف تعهد را بیمه‌گذار می‌نامند. عقد بیمه نیز همانند سایر قرارداد ممکن دارای ابهام و اجمال باشد و در نتیجه ابهام و اجمال قرارداد اختلافاتی نسبت به آثار و موضوع و تعهدات طرفین در برابرهم بروز کند و زمینه برای تفسیر توسط مراجع قضایی فراهم شود. در قانون مدنی مواد و ضابطه صریحی برای تفسیر قراردادها وجود ندارد و حقوقدانان ضوابط و معیارهای را تعیین نموده که در مورد همه قراردادها مشابه اعمال می‌شود(دیلمی، ۱۳۸۸، ۷۶). لذا سوالی که به ذهن خطور می‌کند این است که آیا در قراردادهای بیمه با توجه تفاوتی که از حیث شرایط تشکیل و تعهدات طرفین در مقابل هم و ضمانت اجرای عدم انجام تکالیف و آثار و اصول حاکم بر آن (از جمله اصل حسن نیت، اصل ذی نفعی، اصل جبران خسارت، اصل احتمالی و اتفاقی موضوع خطر، و عواملی هم چون الحاقی و تحمیلی بودن قرارداد بیمه و موقعیت برتر بیمه گر نسبت به بیمه‌گذار از حیث اطلاعات و وضعیت اقتصادی و حرفه و تخصص بیمه گر و پیچیدگی قرارداد بیمه و هم چنین غیر تجاری بودن عقد بیمه و ارتباط آن با نظم عمومی و حقوق اشخاص ثالث)، آیا باید از قرارداد بیمه نیز تفسیر همانند سایر قراردادها نمود یا اینکه ویژگی و اصول حاکم بر قرارداد بیمه ایجاب می‌کند که تفسیری متفاوتی متناسب با ویژگی قرارداد بیمه به عمل آورد؟

۲- قاعده تفسیر علیه انشاء کننده

با توجه به اصول حاکم بر عقد بیمه و فلسفه وجودی عقد بیمه نمی‌توان از قواعد عمومی قراردادها برای تفسیر عقد بیمه استفاده نمود. زیرا در گذشته طرفین از لحاظ موقعیت اقتصادی و اطلاعاتی در جایگاه یکسانی بودن اما امروزه با تحولات اقتصادی و توسعه جوامع در مورد اکثر قراردادها امکان مذاکره مستقیم درباره شروط قرارداد و تغییر و تعدیل آنها وجود ندارد. بنابراین در چنین قراردادهای که نابرابری چشمگیری از لحاظ قدرت مذاکره بین طرفین وجود دارد، نمی‌تواند با قراردادهای سنتی یکسان باشد. به عبارت دیگر اتکای مطلق بر اصل آزادی قراردادی و حاکمیت اراده در این گونه قراردادها نادرست است،

زیرا حاکمیت اراده متعلق به حقوق قراردادهای سنتی است که در آنها فرقی نمی‌کند، طرفین قرارداد چه کسانی هستند و یا موضوع قرارداد چیست، در هر حال با قرارداد برخورد حقوقی یکسانی می‌شود. در حالی که موضوع نابرابری توان اقتصادی و معاملاتی طرفین قرارداد مستلزم رویکرد ویژه در حقوق قراردادهاست (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۲۸). از میان این قراردادهای نابرابر می‌توان به بیمه نامه اشاره کرد بیمه گذاران در تقابل با شرکت‌های بیمه‌ای قرار دارند که از بسیاری جهات نسبت به آنان در موضع ضعف قرار دارند. علاوه بر این قرارداد بیمه از لحاظ فلسفه وجودی آن و کارکرد اقتصادی شان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. پذیرفتن این مساله که در عقد بیمه، عقدی آزاد است در ردیف عقود دیگر مانند بیع و معاوضه قرار گیرد غیر واقع بینانه است چه بسا بیمه یک عقد تخصصی است و متقاضی در موارد عدیده، حتی نمی‌داند چه چیزی را امضاء می‌کند تا چه برسد که بتواند در مورد شرایط و وضعیت قرارداد بیمه با بیمه گر به چانه زنی بپردازد. این دلایل ضرورت استفاده از بعضی ابزارهای حقوقی را به منظور حمایت از بیمه گذاران و ذی نفعان بیمه را به منظور اصلاح این ساختار ناعادلانه توجیه می‌کند یکی از ابزارهای حمایتی که می‌تواند به تعادل قراردادی بینجامد استفاده از قاعده تفسیر علیه انشاءکنندگان قرارداد است. در خصوص لزوم تفسیر علیه انشاءکنندگان، ضرورت‌های مشترکی موجب شکل گیری اراده مشترک بر لزوم استفاده از این قاعده در سیستم‌های حقوقی مختلف شده است که از آن جمله می‌توان به حمایت از طرف ضعیف در قراردادها و ایجاد شفافیت در متن قرارداد و ایجاد عدالت قراردادی و... اشاره نمود. از لحاظ تاریخی، شکل گیری و توسعه استفاده از این دکترین عموم معلول گسترش قراردادهای بیمه و توسعه قراردادهای الحاقی و قراردادهای استاندارد و... است (درودیان، ۱۳۸۸: ۶۹).

۳- مفهوم قاعده تفسیر علیه انشاءکننده و سیر تاریخی آن

در این قسمت به بررسی مفهوم قاعده تفسیر علیه انشاءکننده و سیر تاریخی آن می‌پردازیم. به همین دلیل بند اول این قسمت را به مفهوم و بند دوم آن را به سیر تاریخی آن اختصاص داده ایم. در ادامه نیز شیوع قراردادهای الحاقی را که از عوامل توجه به این قاعده است را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱- مفهوم قاعده

این قاعده در انگلیسی *contra proferentem* نام دارد به معنای تفسیر علیه انشاءکننده قرارداد، معنی شده است. قاعده‌ای است که به موجب آن در تفسیر قراردادها، هنگامی که یک تعهد، قرارداد یا شرط مبهم باشد، معنایی مرجح است که علیه انشاءکننده آن کلمات باشد. با وجود این که این قاعده در اغلب موارد در قراردادهای استاندارد و قرار دادهای یک طرفه به کار می‌رود اما قابلیت اعمال در تمامی اقسام قراردادها رو دارد. در واقع استفاده از این قاعده در قراردادهای استاندارد یا سایر قراردادها موجب شناسایی نوعی مسئولیت محض برای نویسنده قرارداد با شرط می‌شود. چرا که در عمل در صورت وجود ابهام در قرارداد بدون نیاز به احراز هیچ نوع تقصیری از سوی انشاءکننده باشد، مورد ابهام به ضرر وی تفسیر می‌گردد. از این قاعده در غالب اسناد بین المللی که به منظور وحدت قراردادهای بین المللی تهیه شده منصوص شده است. به طور مثال در ماده ۶ از فصل ۴ اصول قراردادهای تجاری بین المللی، تحت عنوان قاعده تقدم تفسیر به زیان تنظیم‌کننده قرارداد بیان گردیده است: «که اگر شروطی از قرارداد که توسط یک طرف ارائه شده است واضح نباشد، تفسیر آن شروط علیه طرف مزبور مرجح خواهد بود». در توضیح ماده مذکور گفته شده است که ممکن است یکی از طرفین قرارداد به دلیل انشاء شروطی خاص یا پیشنهاد آن، برای مثال با استفاده از شروط استاندارد که توسط دیگران تهیه شده، مسئول تنظیم آن قرار گیرد. چنین طرف قراردادی باید مسئولیت واضح نبودن احتمالی جمله بندی نهایی انتخاب شده را بپذیرد. از مباحث گفته شده می‌توان در تعریف قاعده تفسیر علیه انشاءکننده بیان داشت «قاعده‌ای است بر طبق آن، در مواردی که قرارداد دارای ابهام و اجمال و خلاء باشد، این ابهامات و خلاءهای قراردادی علیه انشاءکننده آن تفسیر خواهد شد» (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۷).

۳-۲- سیر تاریخی قاعده

سیر تاریخی شکل گیری قاعده تفسیر علیه انشاءکننده معلول تغییر و تحولاتی است که در ساختار قراردادهای در اواخر قرن نوزدهم و بیستم به وجود آمد. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم انعقاد قراردادهای بیمه عمر به صورت قراردادهای که امکان تغییر شرایط آن از سوی بیمه‌گذار وجود نداشت توسعه چشمگیری یافت، این مسئله باعث گردید که نویسندگان حقوقی انتقاداتی در خصوص یک طرفه بودن این قرارداد مطرح کنند، در همین زمان شرکت بیمه شروع به فروش بیمه نامه‌های آتش سوزی نیز نمودند که در آن شروطی درج شده بود که طبق آن در صورتی که اقدام بیمه‌گذار تفاوت جزئی با شروط مندرج در قرارداد بیمه را داشت، بیمه‌گر از جبران خسارت معاف می‌گردید. بر همین مبانی بود که پرونده فرست نشنال بانک، دادگاه از پذیرش تفسیر بیمه‌گر در مورد یک شرط مبهم در خصوص موارد عدم پوشش بیمه خودداری نمود. در واقع با این که خود دادگاه اذعان داشت که تفسیر بیمه‌گر از عبارت مبهم، بهتر از تفسیر بیمه‌گذار از این عبارت است، اما دادگاه به دلایل ذکر شده، همچون یک طرفه بودن قرارداد و... این ابهام را به ضرر بیمه‌گر تفسیر نمود. این مسئله آغاز رویه قضایی در خصوص قاعده تفسیر علیه انشاءکننده بود. با وجود این، نمونه این گونه قراردادهای در حقوق آمریکا محدود به این قراردادهای بیمه نبوده است، لذا قاعده تفسیر علیه انشاءکننده، پس از رای فرست نشنال بانک، در خصوص سایر قراردادهای مشابه از جمله قراردادهای رهنی، قراردادهای اجاره، قراردادهای کار، اوراق قرضه و... مورد استفاده دادگاه قرار گرفت (آناهی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۶).

۳-۳- شیوع قراردادهای الحاقی

در آغاز قرن بیستم و توسعه و تولید و مصرف انبوه محصولات، انعقاد قراردادهای یک طرفه رو به امری روزمره تبدیل کرد. در همین دوره بود که دکترین حقوقی به این قراردادهای توجه بیشتری نشان دادن و برای اولین بار مفهوم قراردادهای الحاقی در آثار حقوقی به کار رفت. در پی این تحولات بود که امکان اعمال دکترین تفسیر علیه انشاءکننده از سوی رویه قضایی نیز مورد توجه قرار گرفت. در این دوره قراردادهای به قرارداد معمولی و قراردادهای که احتمال الحاقی بودن آنها می‌رفت، تقسیم گردید. با توجه به اینکه دکترین تفسیر علیه انشاءکننده تنها در قراردادهای الحاقی قابل اعمال بود؛ لذا تعریف این قراردادهای اهمیت چشمگیری پیدا کرد. در این دوره قراردادهای الحاقی شمرده می‌شدند که در آنها یکی از طرفین از قدرت کافی برای تغییر آن بهره مند نبود. در عین حال در صورتی که ثابت می‌شد که تحویل کالا و خدمات منوط به امضای یک جانبه بوده است، چنین قراردادی نیز الحاقی می‌شد. (خدابخشی، ۱۳۹۳، ۶۲).

۴- مبنای قاعده تفسیر علیه انشاءکننده در قراردادها

دلایلی چندی موجب استفاده از قاعده تفسیر علیه انشاءکننده، شده است که برخی از این دلایل عام بوده است و شامل هر نوعی قرارداد الحاقی می‌گردد برخی دلایل فقط مختص عقد بیمه می‌باشد. به همین دلیل به منظور رعایت ترتیب و نظم مطالب آن را در دسته بندی جداگانه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴-۱- کنترل انشاءکننده قرارداد

مهم ترین و متداول ترین دلیلی که در توجیه استفاده از دکترین تفسیر علیه انشاءکننده بیان شده است نظریه کنترل است. البته بر این مبنا انتقاداتی منطقی نیز وارد است به طور مثال در مواردی که طرفین قرارداد انشاء توافق خود را به یکی از طرفین سپرده اند و علت انشاء قرارداد از سوی یکی از طرفین قدرت معاملاتی غالب وی نیست، و نمی‌توان به این مبنا استناد نمود و دلیل بر قدرت برتری وی دانست. البته توجه به میزان کنترل انشاءکننده قرارداد به جای توجه به صرف نفس انشاءکننده قرارداد انتقادات پیش گفته را خنثی می‌کند. در واقع در این دیدگاه، تفسیر علیه انشاءکننده آخرین اقدام میان

طرفین برابر بوده است، چرا که توانایی طرف غیرانشاءکننده بر چانه زنی، قدرت کنترل انشاءکننده را خنثی می‌کند، اما این پاسخ در قراردادهای که کنترل کامل آن در دست یکی از طرفین بوده است صادق نیست. باید گفت که مبنای اصلی اعمال این قاعده، کنترل انشاءکننده بر قرارداد است اما مبنای منحصر به فرد آن نمی‌باشد، در نتیجه اعمال این دکترین، ابهامات قراردادی را کاهش یافته است و جریان اطلاعات به سمت طرف ضعیف‌تر قرارداد تسهیل می‌شود. چراکه انشاءکننده قرارداد فردی است عاقل و تلاش می‌کند تا با کاهش موارد ابهام در متن قرارداد و ارائه اطلاعات به طرف مقابل، خود را از مسئولیت ناشی از تفسیر موارد ابهام علیه وی برهاند (علایی، ۱۳۹۳: ۳۸).

۴-۲- کاهش ابهام در قرارداد

این استدلال که دکترین تفسیر علیه انشاءکننده موجب تشویق انشاءکننده قرارداد به ایجاد شفاف سازی بیشتر در قرارداد می‌شود، قدمتی به اندازه خود این دکترین دارد. در واقع در پیش گرفتن چنین تفسیری موجب می‌شود که انشاءکننده قرارداد انگیزه منطقی و کارآمدی را برای ایجاد شفافیت بیشتر در قرارداد کسب نماید. در واقع قراردادن این مسئولیت بر دوش شرکت‌های بیمه گر و هم چنین تنظیم‌کنندگان قراردادهای الحاقی منطقی است، چرا ایشان امکانات و تجربه مناسب تری در این زمینه نسبت به طرف مقابل در اختیار دارند؛ لذا باید پذیرفت که وجود چنین مسئولیتی برای طرف انشاءکننده قرارداد، موجب می‌شود که وی تلاش بیشتر و مناسب‌تری نسبت به رفع ابهامات از متن قرارداد نماید (شیخی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۹).

۴-۳- الزام به ارائه اطلاعات قراردادی

در ابتدای قرن بیستم تصور بر این بود که قواعد پیش فرض تنها در مواردی که قرارداد ساکت است و به منظور تکمیل قرارداد به کار می‌رود و قواعد پیش فرض باید مشابه آن چیزی باشند که طرفین خود در صورت مذاکره به آن می‌رسیدند؛ اما در دهه هشتاد پیشنهاد وضع قواعدی پیش فرض به صورت اجباری نیز از سوی دکترین مطرح گردید که مبنای آن این بود که اصولاً برخی قواعد پیش فرض به این منظور وضع می‌شوند تا برخی شروطی را که طرفین تمایلی به آن ندارند را بر ایشان تحمیل کنند. نویسندگان قاعده تفسیر علیه انشاءکننده را مثال واضحی از این قواعد می‌دانند، که موجب می‌گردد که انشاءکننده قرارداد آن را به نحوی واضح تری تنظیم کند (سربازیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

۵- مبنای قاعده تفسیر علیه انشاءکننده در قرارداد بیمه

عوامل چندی موجب استفاده از قاعده تفسیر علیه انشاءکننده در قرارداد بیمه شده است. برخی از این عوامل مبنای قراردادی و برخی دیگر مبنای غیر قراردادی دارند. بر همین اساس به بررسی مبنای قراردادی و مبنای غیر قراردادی این قاعده در قرارداد بیمه پرداختیم.

۵-۱- مبنای قراردادی

الف- مبتنی بر حسن نیت بودن عقد بیمه:

از یک دیدگاه کلی می‌توان گفت که حسن نیت به دو طریق و شیوه در قراردادها کاربرد دارد. به عبارت دیگر حسن نیت در قراردادها در دو چهره متفاوت ظاهر شده و مورد توجه قانونگذار و حقوقدانان قرار گرفته است و غالباً از عنوان «حسن نیت در قراردادها» و تکلیف طرفین قرارداد به رعایت حسن نیت مراد می‌شود و از این حیث مورد بررسی قرار می‌گیرد. چهره دیگر حسن نیت آن است که حسن نیت یکی از طرفین قرارداد موجب حمایت قانونگذار از او می‌گردد. در این چهره معمولاً حسن نیت در میزان مسئولیت موثر بوده و قانونگذار مسئولیت کمتری برای فرد با حسن نیت نسبت به شخص که فاقد حسن نیت است مقرر می‌کند. تمام قراردادها و روابط باید مبتنی بر حسن نیت باشد ولی در بیمه، حسن نیت از عوامل اساسی تنظیم رابطه بین طرفین است. برای بیمه گر این امکان وجود ندارد که قبل از صدور بیمه نامه و قبول تعهد جبران خسارت احتمالی

هر یک از اموالی که برای بیمه کردن به او عرضه می‌شود از نزدیک ملاحظه و کیفیت خطر آن را ارزیابی کند. لذا از نظر قانون بیمه وظایفی برای طرفین قرارداد در نظر گرفته شده که به شرح زیر است:

□ اصل حسن نیت در مورد بیمه‌گذار: بیمه‌گذار موظف است که هنگام قرارداد بیمه کلیه اطلاعاتی که در خصوص مورد بیمه دارد (که موثر در ارزیابی خطر است) با کمال درستی و صداقت اظهار کند، به طوری که بیمه‌گر با بهره‌گیری از این اطلاعات بتواند اهمیت خطری را که مورد پوشش قرار می‌دهد، تشخیص دهد.

□ اصل حسن نیت در مورد بیمه‌گر: بیمه‌گر موظف است که در سند بیمه هر آنچه را نشان دهنده تعهدات است، چه از لحاظ کمی و چه از نظر کیفی، به وضوح ذکر کند و مواردی که به نحوی از انحاء در صورت بروز حادثه می‌تواند موثر در پرداخت خسارت باشد در بیمه نامه قید نماید، به طوری که تعهدات بیمه‌گر از هر جهت به وضوح برای بیمه‌گذار معین و مشخص باشد. مواد ۱۱، ۱۲، ۱۸ قانون بیمه به صراحت و شفافیت تمام اصل حسن نیت در بیمه را بیان می‌کند. نظارت بر اجرای اصل حسن نیت بیمه‌گران در ایران بر عهده سازمان بیمه مرکزی ایران است. حسن نیت در قراردادهای ابزاری سودمند برای تغییر شرایط قرارداد و برقراری تعادل و توازن در رفتارهای طرف‌های قرارداد و از همه مهم حمایت از بیمه‌گذار در مقابل طرف‌های قوی قرارداد محسوب می‌شود (عسکری، ۱۳۹۱: ۵۲).

هر چند در قانون بیمه ایران مصوب اردیبهشت ۱۳۹۶ تنها بیمه‌گذار مکلف به رعایت حسن نیت، به دلیل آن که بیشترین حقایقی را که ارزیابی خطر باید بر آن اساس محاسبه شود منحصرًا متکی بر اطلاعاتی است که بیمه‌گذار اظهار می‌نماید. اما در واقع گستره این اصل بیمه‌گر را نیز در بر می‌گیرد و او نیز موظف به رعایت این اصل مهم می‌باشد. بیمه‌گر باید در تنظیم قرارداد بیمه حسن نیت داشته باشد و در صورتی که قرارداد را به نحوی تنظیم نماید که صرفاً آن چه را به نفع او بوده را در بر داشته باشد می‌تواند گفت که وی حسن نیت نداشته و به کمک تفسیر قرارداد این نابرابری را باید جبران نمود. اما اگر قرارداد را باطل یا منفسخ بدانیم به نفع بیمه‌گر است در حالی نباید بیمه‌گذار به خاطر تقصیر بیمه‌گر متحمل ضرر گردد بلکه باید به کمک تفسیر، ضرر نیز عامل آن جبران نماید (من له الغنم و علیه الغرم) از اصل حسن نیت در جهت تعادل و توازن در رفتارهای طرف قرارداد با توجه به دگرگونی‌های عصر حاضر در ایجاد و انعقاد و تفسیر قراردادها و تغییر شرایط قراردادی استفاده می‌گردد و همین امر باعث شده است تا اصل مزبور از جایگاه ویژه در حقوق قراردادها و معاملات برخوردار گردد (زندى فر، ۱۳۷۸: ۴۴).

ب- الحاقی بودن عقد بیمه:

در عصر کنونی شیوه انعقاد قراردادها با تحولات چشم‌گیری روبه‌رو شده است. در گذشته قراردادها به صورت رودرو و از طریق مذاکره مستقیم میان طرفین انجام می‌گرفت و از لحاظ اقتصادی نیز طرفین در موقعیت یکسانی قرار داشتند، اما امروزه برخلاف گذشته با تحولات اقتصادی در اغلب قراردادها امکان مذاکره درباره شروط قراردادها و تغییر و تعدیل آنها وجود ندارد و یک طرف قرارداد به دلیل داشتن تجربه و فرصت کافی در تنظیم قرارداد، برخورداری از متخصصان و حقوق دانان خبره، داشتن اطلاعات کافی، توان اقتصادی و... در موقعیت برتر قرار دارد و می‌تواند شروط مورد نظر را به طرف ضعیف‌تر «تحمیل کند». بنابراین نحوه اداره چنین قراردادهای که از لحاظ قدرت مذاکره نابرابری چشمگیری بین طرفین وجود دارد، نمی‌تواند همانند قراردادهای سنتی باشد. به عبارت دیگر در این قراردادها نمی‌توان به اصل آزادی قراردادی و حاکمیت اراده استناد کرد، زیرا حاکمیت اراده مربوط به حقوق قراردادهای سنتی بود که در آنها تفاوتی بین اینکه طرفین قرارداد چه کسانی هستند و یا موضوع قرارداد چیست، وجود نداشت. در همه حال قراردادها از حقوق یکسانی برخوردار بودند. در حالی که تفاوت قدرت اقتصادی و معاملاتی طرفین نیازمند رویکرد ویژه در حقوق قراردادهاست (درویدیان، ۱۳۸۱: ۲۵). از میان این قراردادهای نابرابر می‌توان به بیمه نامه اشاره کرد که شرکت‌های بزرگ در تقابل با منافع مصرف‌کنندگانی قرار دارند که از جهات بسیاری نسبت به آنان در موضع ضعف قرار هستند. علاوه بر این قرارداد بیمه به دلیل کارکرد اقتصادی شان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این

دلایل ضرورت تحولات حقوقی و بازنگری در حقوق قراردادهای خشک و انجام یک سری اصلاحات در قوانین قراردادهای بیمه با هدف حمایت از بیمه گذاران را توجیه می‌نماید. امروز با گسترش صنعت بیمه موقعیت تغییر کرده است و بیمه گران قدرت مالی بیشتری دارند، بیمه نامه‌ها هم قراردادهای الحاقی بوده و اصل آزادی قراردادی جای خود را به اصل حمایت از بیمه‌گذار داده است. بیمه گران نیز چون پیش نویس و شرایط بیمه نامه را تهیه می‌نمایند، این اقدام باعث میشود زمینه را برای در خطر قرار گرفتن حقوق بیمه‌گذار فراهم شود. صدور بیمه نامه و تعیین نرخ حق بیمه، به هنگام بروز خسارت بیمه‌گذار نسبت به موسسه بیمه در وضعیت نامطلوبی قرار می‌دهد (خوشبخت، ۱۳۹۰: ۳۶).

پ- امانی بودن روابط بیمه گر و بیمه گذار:

روابط بین بیمه گر و بیمه‌گذار را می‌توان به عنوان روابطی دانست که ماهیت امانی دارند، در نظر گرفت. بدین صورت بیمه گر امینی است که مامور تنظیم قرارداد از جانب بیمه‌گذار است و بر این مبنا شخص بیمه گر نباید در این رابطه افراط و تفریط نماید و گرنه در مقابل این اقدام خود باید پاسخگو باشد و بر همین اساس ایهامات موجود در متن بیمه نامه را می‌توان اماره بر افراط و تفریط او در روابط امانی دانست، در نتیجه این استدلال توجیهی برای حمایت از بیمه‌گذار در مقابل بیمه گر است و موجب پرهیز آمین یا همان بیمه گر از پیش تازی‌ها می‌گردد (درودیان، ۱۳۸۱: ۲۴).

ت- معیوب تلقی کردن موضوع بیمه: بیمه همانند بیع کالا نیست که قابل مشاهد و ارزیابی باشد بلکه امری غیر مادی و غیرقابل لمس است که در قرارداد بیمه به آن تصریح می‌شود. جملات و عبارات مبهم قرارداد بیمه همانند عیوب موجود در کالا است و همانگونه که تولیدکنندگان در برابر عیوب کالا مسئول است، بیمه گر هم باید در قبال این عیوب مسئول شناخت. بنابراین این استدلال می‌تواند مبانی برای اعمال دکترین حمایتی برای تفسیر قراردادهای بیمه باشد (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۱۶).

ث- مقتضای عقد بیمه و اصل جبران خسارت:

هر قرارداد را مورد عنایت قرارداد داده باشد و از تفسیری که منتهی به نفی مقتضای قرارداد شود امتناع نماید. مقتضای عقد بیمه و فلسفه وجودی آن، تامین نظم و امنیت جامعه و آرامش خاطر بیمه‌گذار در هنگام وقوع حادثه و جبران خسارت است لذا باید قراردادهای بیمه به گونه‌ای تفسیر شود که این هدف تامین گردد. و گرنه خسارت وارده جبران نشده باقی می‌ماند و بیمه‌گذار و ذی نفع بیمه، دچار عسر حرج می‌گردند. و از طرف دیگر مردم اعتماد خود را نسبت به شرکت‌های بیمه از دست می‌دهند و دادگاه‌های نیز در صدور حکم و اجرای آن با دشواری‌های روبه رو می‌شوند. چنین تفسیری را باید مصداق شرط مبطل دانست. چرا که مهم ترین اثر عقد بیمه تعهد بیمه گر در قبال بیمه‌گذار مبنی بر جبران خسارت احتمالی است. حال اگر به وسیله چنین تفسیری این اثر از عقد بیمه گرفته شود، چنین عقدی مصداق بند یک ماده ۲۳۳ ق.مدنی بوده و منجر به بطلان قرارداد بیمه می‌گردد. زیرا چنین تفسیری تعهد اصلی شرکت بیمه را از بین می‌برد و در نتیجه قرارداد بیمه را بدون عوض می‌نماید. با این توضیح که عقد بیمه هر چند عقدی احتمالی می‌باشد، اما عقد مسامحه‌ای نیست، بلکه عقد معوض است. دارا بودن عوض در ذات عقد معوض قرار دارد. در واقع این تفسیر با قانون و نظم عمومی مخالف است و چنین تفسیری در واقع خلاف مقتضای ذات عقد تلقی می‌گردد. با این تفسیر بیمه گر دیگر تعهدی نخواهد داشت. اخیر قانونگذار در برخی موارد، همچون ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث، نسبت مقابل آن هیچ تعهدی نخواهد داشت. اخیر قانونگذار در برخی موارد، همچون ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث، نسبت به شرط عدم مسوولیت موضع گیری نموده و چنین شروطی را نامعتبر اعلام کرده است. درج هر گونه شرطی را مزایایی قانونی کمتری برای بیمه گر و زیان دیده را باطل اعلام نموده و این ماده هم شرط عدم مسوولیت هم شرط تحدید مسوولیت را دربر می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۹۸: ۸۳).

اگر مفاد عقد به گونه‌ای باشد که همه آثار مترتب بر عقد را سلب نماید، به صورت جدی‌تر در تنافی با مقتضای عقد قرار می‌گیرد؛ چرا که خالی بودن عقد از جمیع آثارش مستلزم لغویت عقد است و اماره‌ای است بر اینکه عقد را به صورت جدی و به قصد انشاء از سوی متعاقدين صورت نگرفته است. مقتضای عقد بیمه و فلسفه وجودی آن، تامین نظم و امنیت جامعه و آرامش خاطر بیمه‌گذار در هنگام وقوع حادثه و جبران خسارت است لذا باید به گونه‌ای تفسیر شود که این هدف تامین گردد. و گرنه خسارت وارده جبران نشده باقی می‌ماند و بیمه‌گذار و ذی نفع بیمه، دچار عسر حرج می‌گردند. و از طرف دیگر مردم اعتماد

خود را نسبت به شرکت‌های بیمه از دست می‌دهند و دادگاه‌های نیز در صدور حکم و اجرای آن با دشواری‌های روبه رو می‌گردند (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۸).

۵-۲- مبانی غیر قراردادی

الف- موقعیت برتر بیمه گر از لحاظ اطلاعات :

بیمه گران غالباً خبیره‌تر و آگاه‌تر از بیمه گذاران هستند این ناشی از موقعیت برتر اطلاعاتی بیمه گران می‌باشد به عبارت دیگر بیمه گران از آن جهت که خود قرارداد بیمه را انشاء می‌نمایند و از طرف دیگر تصدی امر بیمه حرفه و تخصص آنان می‌باشند نسبت به بیمه گذاران در موقعیت برتری قرار دارند و یک سری مفاهیم و عبارت در قرارداد بیمه وجود دارد که باعث پیچیدگی بیمه نامه شده است و همین امر فهم بیمه نامه را برای بیمه گذاران دشوار می‌نماید. وضعیت قراردادهای بیمه به گونه‌ای است که افراد متقاضی نمی‌دانند چه چیزی را دارند امضاء می‌کنند تا چه برسد، که به فکر عواقب و حقوق ناشی از آن باشند. بر این اساس طبیعی است که بیمه گر در مقام ابراز حسن نیت خود بایستی حقوقی که بیمه‌گذار به موجب بیمه بهره مند می‌شوند را برای او بازگو کنند. (با عنایت به ضمانت اجرای ماده ۱۲ق. بیمه) هم چنین این فرض در مواردی نیز جاری است که بیمه گر به قصد تقلب و با ارائه سوالات مبهم و دو پهلو به قرارداد را در حالت مبهم یا مرددی قرار می‌دهد مثل اینکه با درج عبارت چند پهلو که تاب تفسیر متفاوتی دارند، می‌تواند چند معنای متضاد و متفاوت از آن اخذ نمود، قصد آن را داشته باشد از تعهداتی که عهده دار شده شانه خالی کند. اگر این فرض قرارداد مربوط به مرحله زمانی قبل از وقوع حادثه باشد بیمه باطل و بیمه گر ملزم به جبران خسارت اشخاصی می‌باشد که از بابت این امر متضرر می‌شوند. اما در صورتی که این حالت بعد از تحقق حادثه باشد تأیید بطلان قرارداد کمک دیگری به بیمه گر متقلب این دامی تا از بار تعهدات شانه خالی کند. لذا در فرض صحت قرارداد بیمه و متعهد شدن وی تفسیر عبارات مبهم قرارداد به نفع بیمه‌گذار موجه‌تر می‌باشد. اما اگر قرارداد را باطل بدانیم درست است که می‌توانند از باب تسبیب به بیمه گر به عنوان شخص که مسئول جبران خسارت است مراجعه کرد اما چون از امتیازات بیمه بهره مند نیست در جبران با دشواری‌های مواجه گردد (سربازیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

ب- موقعیت برتر اقتصادی: از لحاظ اقتصادی نیز از آن جهت که از محل حق بیمه‌های بیمه گذاران سرمایه عظیمی به وجود می‌آید که باعث می‌شود در جبرات خسارت دچار تنگ دستی نگردند. این دلایل حمایت از بیمه گذاران را توجیه می‌نماید. با توجه به ویژگی‌های گفته شده در مورد قراردادهای بیمه، این نوع از قراردادهای تفسیر خاصی را ایجاب می‌نماید. هدف از تفسیر این قراردادها احراز قصد مشترک طرفین نیست، بلکه هدف اجرای عدالت در این نوع از قراردادهاست. به عبارت دیگر در این نوع از قراردادها قواعدی وجود دارد که در جهان به آن استناد می‌گردد و ما نیز ناچاریم در تفسیر این نوع از قواعد را رعایت نمایم. یکی از این نوع قواعد، قاعده تفسیر علیه انشاءکننده در قراردادهای بیمه است. این قاعده به معنی تفسیر قرارداد علیه تنظیم‌کننده آن و به نفع طرف مقابل، در مواردی که دارای خلاء و ابهام می‌باشد. مبانی استفاده از این قاعده در قراردادهای بیمه عبارتند از: اصل حسن نیت، ویژگی الحاقی قرارداد بیمه، مقتضی آن و اصل جبران خسارت، موقعیت برتر اطلاعاتی و اقتصادی شرکت‌های بیمه، کاهش موارد ابهام و حمایت از بیمه گذاران و ذینفعان و موارد مشابه آن است. استفاده از این قاعده موجب تعادل قراردادی و عدم برخورد زیان دیده و بیمه‌گذار با اعسار و تنگ دستی عامل زیان در هنگام وقوع خسارت می‌گردد. دادگاه نیز در برخورد با مسئول حادثه‌ای که دارای پوشش بیمه‌ای است با وسعت نظر خسارات را برآورد می‌کند و شرایط مسئولیت را به نفع زیان دیده تسهیل می‌کند. زیان دیده نیز با اطمینان خاطر از توان مالی بیمه گر که نهایتاً خسارت را جبران خواهد کرد با جدیت دعوا را پیگیری می‌کند (شیخی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۱).

۶- نتیجه گیری

زندگی بشر همواره در معرض خطرات و زیان‌های غیر قابل پیش بینی و غیر قابل اجتناب قرار دارد. یکی از مهم ترین و پرکاربردترین روشی که انسان برای مقابله با این تهدیدات برگزیده است عقد بیمه است. در عقد بیمه اشخاص با انعقاد قرارداد بیمه با شرکت‌های بیمه، جبران نتایج و خطرات ناشی از موضوع بیمه را به شرکت بیمه منتقل می‌کند. از آن جا که عقد بیمه

همانند سایر عقود ممکن است دارای ابهام و اجمال باشد که نیاز به تفسیر اجتناب ناپذیر باشد. اما از آن جا عقد بیمه دارای ویژگی و ماهیتی متفاوت با سایر قراردادهاست که این تفاوت به اصول اساسی حاکم بر عقد بیمه باز می‌گردد. که از جمله این اصول، اصل حسن نیت و اصل الحاقی و تحمیلی بودن عقد بیمه و اصل جبران خسارت هاست. از طرف دیگر مقتضی عقد بیمه، تامین نظم و امنیت جامعه و آرامش خاطر بیمه‌گذار در هنگام وقوع حادثه و جبران خسارت است لذا باید قراردادهای بیمه به گونه‌ای تفسیر شود که این هدف تامین گردد.

با توجه به ویژگی‌های گفته شده در مورد قراردادهای بیمه، این نوع از قراردادها تفسیر خاصی را ایجاب می‌نماید و دیگر هدف از تفسیر این قراردادها، احراز قصد مشترک طرفین نیست، بلکه هدف اجرای عدالت در این رابطه است: یعنی در این نوع از قراردادها قواعدی وجود دارد که در دنیا به آن اتکا می‌شود و ما نیز ناچاریم در تفسیر این نوع از قواعد را رعایت نمایم. یکی از این نوع قواعد، قاعده تفسیر علیه انشاءکننده در قراردادهای بیمه است. این قاعده به معنی تفسیر قرارداد علیه تنظیم‌کننده آن و به نفع طرف مقابل، در مواردی که دارای خلاء و ابهام می‌باشد. ضرورت‌های مشترکی موجب شکل‌گیری اراده مشترک بر لزوم استفاده از این قاعده در سیستم‌های حقوقی مختلف شده است که از آن جمله می‌توان به حمایت از طرف ضعیف در قراردادها و ایجاد شفافیت در متن قرارداد و ایجاد تعادل قراردادی اشاره نمود. سیر تاریخی این قاعده معلول تغییر تحولاتی است که در ساختار قراردادها در قرن نوزدهم و بیستم به وجود آمد. شکل‌گیری و توسعه استفاده از این قاعده عموم معلول گسترش قراردادهای بیمه و توسعه قراردادهای الحاقی و قراردادهای استاندارد است. مبانی استفاده از این قاعده در قراردادهای بیمه عبارتند از: اصل حسن نیت، ویژگی الحاقی قرارداد بیمه، مقتضی آن و اصل جبران خسارت، موقعیت برتر اطلاعاتی و اقتصادی شرکت‌های بیمه، کاهش موارد ابهام و حمایت از بیمه‌گذاران و ذینفعان و موارد مشابه آن است. استفاده از این قاعده موجب تعادل قراردادی و عدم برخورد زیان دیده و بیمه‌گذار با افسار و تنگ دستی عامل زیان در هنگام وقوع خسارت می‌گردد. دادگاه نیز در برخورد با مسئول حادثه‌ای که دارای پوشش بیمه‌ای است با وسعت نظر خسارات را برآورد می‌کند و شرایط مسئولیت را به نفع زیان دیده تسهیل می‌کند. زیان دیده نیز با اطمینان خاطر از توان مالی بیمه‌گر که نهایتاً خسارت را جبران خواهد کرد با جدیت دعوا را پیگیری می‌کند.

در قانون مدنی حکم و نص صریحی در خصوص تفسیر قراردادها وجود ندارد تدوین قواعدی در این خصوص ضروری است فقط در برخی موارد به صورت پراکنده اشاره شده است که همین امر هم موجب ناکارآمدی و سوءاستفاده احتمالی می‌گردد. به همین دلیل ضروری است که قانونگذار صرفاً به کنترل قضایی اکتفا ننماید و با کنترل تقنینی یا تصویب قوانین مناسب اقدام به وضع مقرراتی جامع در قانون مدنی بنماید و از ارجاع و واگذار کردن شروط به توافق طرفین خودداری نماید زیرا توافق طرفین در رسیدن به عدالت قاصر است. قاعده‌ای تحت عنوان تفسیر علیه انشاءکننده در قراردادهای بیمه و توجه به ماهیت قراردادهای الحاقی و اعمال این قاعده این قاعده در سایر مواردی که دارای چنین خصوصیتی می‌باشند.

در صورتی که این قاعده به صورت یک ماده قانونی در بیاید موجب خواهد شد که شرکت بیمه و بیمه‌گران حداکثر تلاش خود را جهت شفاف سازی قرارداد بیمه بنمایند از به کاربردن عبارت مبهم و دو پهلو که موجب ابهامات قراردادی می‌شود اجتناب نمایند. قراردادن این مسئولیت بر دوش شرکت‌های بیمه و همچنین انشاءکننده قراردادهای الحاقی منطقی است، چرا که ایشان امکانت و تجربه مناسب تری در این زمینه نسبت به طرف مقابل دارند و حتی دادگاه‌ها نیز در برخورد با حادثه‌ای که دارای پوشش بیمه‌ای می‌باشد با وسعت نظر خسارت قابل جبران را برآورد می‌کنند و شرایط مسئولیت را به نفع زیان دیده تسهیل می‌کنند. زیان دیده نیز با اطمینان خاطر از توان مالی بیمه‌گر که نهایتاً خسارت را جبران خواهد کرد با جدیت دعوا را پیگیری می‌کنند.

مراجع

۱. اسلامی، سیدمحمدهادی و فنواتی، جلیل، ترجیح تفسیر علیه تنظیم کننده قرارداد. حقوق تطبیقی (نامه مفید)، شماره ۱۲، صص ۵۱-۵۹، ۱۳۹۸
۲. آنایید، فاطمه و همکاران، تاثیر مکاتب حقوقی در انشاء قرارداد در حقوق ایران و فرانسه، همایش ملی تسامح و مدارا در فرهنگ ایران و اسلام، اصفهان، صص ۱۰۵-۱۱۹، ۱۳۹۵
۳. حمیدیان، حمید و امینی، منصور، مبانی، کارکرد و نقدی بر دکترین تفسیر علیه تنظیم کننده در قرارداد های بیمه، مطالعات حقوقی، شماره ۱۱، صص ۸۱-۹۲، ۱۳۹۹
۴. خدابخشی، عبدالله، بیمه و حقوق مسئولیت مدنی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳
۵. خوشبخت، مریم، بررسی عقد بیمه در فقه امامیه و حقوق موضوعه، پایانامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشکده معارف اسلامی، تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۰
۶. درودیان، مجید، بررسی ماهیت قراردادهای الحاقی، پایانامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۸۱
۷. دیلمی، احمد، حسن نیت در مسئولیت مدنی، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸
۸. زندی فر، سیما، بیمه مسئولیت مدنی، پایانامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸
۹. عسکری دهنوی، جواد، نقش حسن نیت در قراردادهای بیمه، پایانامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۱
۱۰. سربازیان، مجید و رستم زاده، سروش، مبانی و کارکرد قاعده تفسیر علیه انشاء کننده در حقوق قراردادها. تهران: دانش حقوق مدنی، شماره ۴، صص ۱۲۳-۱۴۴، ۱۳۹۶
۱۱. شیخی، فاطمه و همکاران، فقه و حقوق ایران و قاعده تفسیر علیه انشاء کننده قرارداد در آن، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۲، صص ۴۳-۵۱، ۱۴۰۱
۱۲. علایی، صابر، مبنا و ماهیت مسئولیت مدنی بیمه گر، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه غیر دولتی محدث نوری، ۱۳۹۳
۱۳. قاسمی عهد، وحید، مطالعه تطبیقی روش های حمایت از بیمه گذار در قراردادهای الحاقی بیمه در حقوق ایران و آمریکا، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، شماره ۷، صص ۷۸-۹۴، ۱۳۹۸